میانجیگری قاضی‌القضات

در جریان سفر رئیس قوه قضاییه به استان فارس با وساطت ایشـــان دو طایفه که از ۴۰سال قبل با یکدیگر اختلاف داشتند صلح کردند. اعضای این دو طایفه حدود ۳۰ پرونـــده قضایی علیه یکدیگر تشکیل داده بودند و بارها کار به درگیری کشیده شـــده بود اما وســـاطت رئیس قوه قضاییه به این اختلافات پایان داد.

خون‌بس در دلگان

چندی قبل با تلاش‌های پلیس سیستان و بلوچستان صلح و دوستی بین طوایف درگیر سابکی، بهزادی و فولادی شهرستان دلگان برقرار شد. این ۳ طایفه در سال‌های گذشته با یکدیگر درگیر شده و در پی این درگیری‌ها افرادی به قتل رسیده بودند اما در نهایت با تلاش پلیس و جمعی از معتمدان و ریش سفیدان این اختلافات با صلح پایان یافت.

شهادت مأمور پلیس در درگیری طایفه‌ای

در جریان درگیری بین دو طایفه در اردل چهارمحال و بختیاری یکی از مأمـــوران پلیس که قصد میانجیگری داشـــت به شـــهادت رســـید. این حادثه تلخ چندی قبـــل در اردل اتفـــاق افتـــاد و در جریـــان آن یکی از مأموران پلیس به نام ســـتوان دوم علی شـــوقی به شـــهادت رســـید و ۲نفر دیگر نیز جان خـــود را از دست دادند.

آشتی ۲طایفه درگیر در مشکین‌شهر

دو طایفه در مشـــکین شـــهر که از مدت‌ها قبل با یکدیگر دچار اختلاف بودند با شـــرکت در پویش «به احترام امام رئوف می‌بخشـــم» بـــه اختلافات چندین ساله‌شان پایان دادند. اختلافات این دو طایفه از سال ۹۹ بر سر زمین‌های زراعی آغاز شده بود و دوطرف چندین پرونده نزاع و درگیری علیه یکدیگر تشکیل داده بودند که در نهایت به صلح منجر شد.

دوره جدید ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ • شماره ۱۸

در برخی شهرستان‌ها گاهی اختلافات کوچك باعث درگیری طایفه‌ای می‌شود

جنگ و صلح

درگیری بر سر زمین، اختلاف بر سر استفاده از آب کشاورزی، تغییر نام روســـتا و... اینها اختلافاتی به ظاهر پیش پا افتاده و ساده هستند که به‌نظر می‌رسد به سادگی برطرف می‌شوند؛ اما در برخی روســـتاها چنین اختلافـــات کوچکی گاهی به درگیری‌های بزرگ طایفه‌ای منجر و حتی کار به قتل کشیده می‌شـــود. با وجود اینکه اغلب این درگیری‌هـــا در نهایت با پادرمیانی بزرگان دوطرف ختم به خیر می‌شود، اما گاهی ممکن است درگیری‌های طایفه‌ای خساراتی جبران‌ناپذیر به بار آورد. در این گزارش به برخی از درگیری‌های طایفه‌ای در سال‌های اخیر که به صلح منجر شده می‌پردازیم.

۸قربانی به‌خاطر یک تابلو

شاید باورش سخت باشد اما مدتی قبل دو طایفه در خوزستان به‌خاطر تغییر تابلویی که نام روستا روی آن نوشته شده بود با یکدیگر دچار اختلاف شدند و با بالاگرفتن این اختلافات کار به درگیری و قتل کشیده شد و بعد از جان‌باختن ۸نفر سرانجام آنها با یکدیگر صلح کردند. شروع این درگیری طایفه‌ای به سال ۹۶ در منطقه شادگان واقع در استان خوزستان بر می‌گردد. دهیار یکی از روستاها بدون هماهنگی با بزرگان منطقه تصمیم گرفت نام روستاها را تغییر دهد. چند روز بعد وقتی دهیاری تابلوی جدید را نصب کرد اختلاف بین اعضای دو طایفه آلبوحصار و آلبوعبید آغاز شد. اعضای طایفه آلبوعبید مخالف نصب تابلوی جدید بودند و می‌گفتند باید هرچه زودتر برداشته شود. به همین دلیل ۴نفر از آنها که مسلح به کلاشینکف بودند به روستا حمله کردند و در جریان تیراندازی در روستا زنی هدف گلوله قرار گرفت و جانش را از دست داد. با وجود دستگیری قاتلان اما اعضای طایفه آلبوحصار درصدد انتقام بودند. ۴۰روز پس از نخستین درگیری چند نفر از طایفه آلبوحصار به مینی‌بوسی که حامل چندین نفر از طایفه آلبوعبید بود حمله کردند. آنها مینی‌بوس را به رگبار بستند و یکی از سرنشینان آن را که جوانی ۳۵ساله بود به قتل رساندند و چندین نفر دیگر مجروح شدند.

همه اعضای طایفه آلبوعبید که حدود ۸۰۰نفر می‌شدند خانه و کاشانه‌شان را رها کرده بودند. مغازه‌های آنها در روستا و کشتی‌های‌شان در دریا معطل مانده و همگی به مناطق دیگری کوچ کرده بودند. در چنین شرایطی بود که سرانجام پادرمیانی‌ها نتیجه داد و طرفین سال گذشته توافق کردند که به درگیری پایان دهند و با یکدیگر صلح کنند و بعد از آن نیز هیچ درگیری بین اعضای این دو طایفه اتفاق نیفتاد.

۸ماه از آخرین درگیری گذشته بود که خبر رسید در جریان تیراندازی در جاده بندر ماهشهر جوانی از آلبوحصار به‌دست مردان مسلح آلبوعبید به طرز فجیعی به قتل رسیده است. او هشتمین قربانی در درگیری‌های این دو طایفه بود.

هر چه می‌گذشت شرایط در منطقه دچار تشنج بیشتری می‌شد طوری که چند روز بعد وقتی اعضای طایفه آلبوعبید قصد تشییع پیکر عزیزشان را داشتند مردان مسلح از هر دو طایفه با تیراندازی به جان یکدیگر افتادند و در این درگیری یک نفر از آلبوحصار جانش را از دست داد و یکی از اعضای طایفه آلبوعبید قطع نخاع شد. دقایقی از درگیری در مراسم تشییع جنازه می‌گذشت که خانواده جوانی که قطع نخاع شده بود تصمیم گرفتند او را به بیمارستان منتقل کنند. آنها در راه بیمارستان بودند که ناگهان خودرویی که حامل مردان مسلح از طایفه آلبوحصار بود سر رسید و خودروی آنها را به رگبار بست. در جریان این درگیری نیز یک نفر از طایفه آلبوعبید جان باخت و یک نفر دیگر مجروح شد.

۸ماه از درگیری‌های خونین گذشته بود و چند نفر از متهمان که بازداشت شده بودند آزاد شدند. یکی از آنها فردی بود که برادرش در این درگیری‌ها جان خود را از دست داده بود و دیگری جوانی بود که پسرعمویش جان باخته بود. آنها چند روز بعد از آزادی از زندان نقشه حمله مسلحانه تازه‌ای را کشیدند. این دو عضو طایفه آلبوحصار وقتی هوا تاریک شد برق منطقه‌ای که طایفه آلبوعبید در آنجا ساکن بودند را قطع کردند و در تاریکی شب به‌سوی عمو و برادرزاده‌ای تیراندازی کردند که در این حادثه پسر جوان جانش را از دست داد و عمویش به‌شدت مجروح شد.

۲ روز بعد مردان مسلحی از طایفه آلبوعبید به قصد انتقام‌گیری به خانه‌ای از طایفه آلبوحصار هجوم بردند. این خانه در بالای روستا واقع شده بود و ساکنان آن با وجود اینکه از اعضای آلبوحصار بودند اما در درگیری‌ها نقشی نداشتند و بی‌طرف بودند. مردان مسلح در این درگیری ۲نفر از آلبوحصار را به قتل رسانده و یک نفر را مجروح کردند.

صلح بعد از ۳۹سال جنگ

اواسط سال ۱۳۶۰ اعضای ۲ خانواده در خرم‌آباد با یکدیگر درگیر شدند. آنها از مدتی پیش با هم دچار اختلاف و کشمکش شده بودند و وقتی اختلافات بالا گرفت کار به زد و خورد کشیده شد. در جریان این درگیری خونین یک نفر به قتل رسید و مرد دیگری نیز به‌شدت مجروح شد. قتل این مرد موجب شد اختلافات این دوطایفه بیش از گذشته شود؛ چرا که از آن به بعد طایفه‌ای که یک عضوش به قتل رسیده بود به‌دنبال انتقام بود.

در این اوضاع بود که یک نفر به اتهام دست داشتن در این جنایت دستگیر شد. او مدعی بود با وجود اینکه در درگیری حضور داشته اما مرتکب قتل نشده است. او که تنها مظنون به قتل بود مدتی را در زندان گذراند اما بعد از محاکمه قضات دادگاه، او را در این جنایت بی‌گناه تشخیص داده و به بی‌گناهی‌اش حکم دادند و او آزاد شد. قاتل هم هیچ‌وقت شناسایی نشد.

اعضای هر دوطایفه همیشه آماده زد و خورد با یکدیگر بودند و گاهی به بهانه‌های مختلف درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کرد تا اینکه یک‌سال پس از نخستین قتل، این بار مردی از طایفه مقابل به طرز مرموزی جانش را از دست داد. اعضای خانواده او معتقد بودند او به قتل رسیده و عامل قتلش اعضای طایفه مقابل هستند. با این حال عامل جان‌باختن این مرد نیز شناسایی نشد.

درگیری‌های اعضای این دوطایفه همچنان ادامه داشت. آنها چند مرتبه به خانه‌های یکدیگر یورش برده و آتش‌سوزی به‌راه انداختند.

کشمکش‌های خونین اعضای این دوطایفه سال‌ها ادامه داشت و در این مدت علاوه بر ۲نفری که جان‌شان را از دست دادند، دست‌کم ۱۰۰نفر در درگیری‌های مختلف مصدوم شدند و از سال ۱۳۶۰ تاکنون ده‌ها خانه و خودرو متعلق به طرفین به آتش کشیده شد. در این سال‌ها بسیاری از افراد دخیل در درگیری‌ها به‌دلیل کهولت سن جان‌شان را از دست دادند اما فرزندان و بازماندگان آنها همچنان به دشمنی با طایفه مقابل ادامه دادند.

درگیری این دوطایفه ۳۹سال به طول انجامید تا اینکه سرانجام مسئولان شورای حل اختلاف خرم‌آباد تصمیم گرفتند به هر قیمتی که شده به درگیری‌های این دوخانواده پایان دهند. اعضای ۲طایفه با وساطت اعضای شورای حل اختلاف در جلسه‌ای رودرروی یکدیگر قرار گرفتند و پذیرفتند که با کنار گذاشتن کدورت‌های قدیمی از این بعد در کنار یکدیگر با صلح و آرامش زندگی کنند.

۵قربانی در ۱۵سال درگیری طایفه‌ای

۱۷سال قبل وقتی در جریان درگیری بین ۲خانـــواده در یکی از روســـتاهای اسلام‌آباد غرب در استان کرمانشاه، مردی به قتل رســـید، اختلافی میان ۲طایفه آغاز شد که تا ۱۵سال بعد باعث مرگ چند نفر دیگر و داغدارشـــدن خانواده‌های آنها شد. ماجرا از این قرار بود که به‌دنبال قتلی که در آن زمان رخ داد، اعضای طایفه مقتول درصدد انتقـــام از طایفه مقابـــل برآمدند و به ایـــن ترتیب درگیری‌هـــای خونباری میان آنها شـــروع شـــد؛ درگیری‌هایی که در ادامه باعث قتل افراد دیگری هم شـــد و به این ترتیب در جریان خونخواهی‌های انجام شـــده از ســـوی طرفین، ۳نفر دیگر به قتل رســـیدند. این اما پایان ماجرا نبود چرا که بـــا وقوع قتل‌ها پلیـــس وارد عمل شد و با دســـتگیری قاتلان، برای آنها حکم قصاص صادر کرد و در ادامـــه یکی از این افراد به دار مجازات آویخته شـــد تا تعداد جان‌هایی که بر ســـر درگیری میان این دو طایفه از دست رفته بود، به ۵نفر برســـد. قاتل دیگری که به جرم قتل یکی از مقتولان دستگیر شده بود به قصاص محکوم شده و حکمش در آستانه اجرا بود. در این شرایط مســـئولان قضایی استان به سراغ ریش‌ســـفیدان هر دو طایفه رفتند و تلاش‌هایشان برای پایان‌دادن به این کینه قدیمی آغاز شـــد. تنها راه پایان یافتن این اختلافات، گذشت خانواده مقتول از قصاص بود. در این وضعیت رایزنی‌ها و گفت‌وگو با آنها آغاز شد تا اینکه در نهایت روز شنبه در مراسمی که با حضور مسئولان و جمعی از معتمدان استان در روســـتای چقا جنگه سفلی برگزار شد، خانواده مقتول از قصاص گذشـــتند و صلح و آرامش پس از ۱۵سال میان ۲طایفه جاری شد.

پایان اختلاف ۵۰ساله

حدود ۵۰ســـال قبل بین دو طایفه کروشـــات و کعب دبـــات در اهواز درگیری رخ داد. بر اثر وقوع یک قتل ناخواسته دشمنی ایجاد شد و این خصومت سال‌های سال پابرجا باقی ماند. به‌علت وقوع این قتل و به‌خاطر کینه و انتقام و دشمنی که بین این دو طایفه ایجاد شده بود، ۳ قتل دیگر هم در این دو طایفه در طول این چند سال رخ داد. کشمکش و درگیری بین این دو طایفه ادامه داشت تا اینکه درنهایت در سال ۹۹ و پس از گذشت ۵۰سال صلح ایجاد شد؛ دشمنی‌ها تمام شد و نیم‌قرن قهر و کینه و درگیری به پایان رسید. این دو طایفه در یک مراسم در محضر کلام خدا هم‌قسم شدند که برای همیشه دشمنی را کنار بگذارند. هم عفو و بخشش را به فرزندان خود یاد دهند و هم صلح و آرامش را به خانواده‌شان بازگردانند. این پرونده بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی بین طرفین دعوا محقق و با صلح و سازش مختومه شد.

صلح و سازش حرفه من است

در مناطق روستایی همه برای بزرگان طایفه احترام زیـــادی قائل هســـتند و این بزرگان هســـتند که با پادرمیانی اغلب مشکلات را برطرف می‌کنند. در خوزســـتان نیز بزرگان طوایف حـــرف اول را می‌زنند. امـــا از چند ســـال قبل چهره جوانی به پیروی از پدرش بـــه پادرمیانی و ایجـــاد صلح و ســـازش در درگیری‌های خانوادگی و طایفه‌ای می‌پردازد. شـــیخ علی زبید، از اهالی شهرستان دزفول است. همه او را با عنوان «زعیم شیخ علی بن ناصر آل نبهان» می‌شناســـند و در سال‌های اخیر هم به‌دلیل پادرمیانی در اغلب مشکلات منطقه به چهـــره جوان ملی صلح مشـــهور شده است و همه با احترام از او یاد می‌کنند. پدرش از بزرگان عرب منطقه و مادرش نیز از طایفه بزرگ لر بود. به همین دلیل در جنوب کشور فردی سرشناس است. او می‌گوید در سال‌های اخیر توانسته در بیش از ۶۰۰پرونده پادرمیانی کند. او می‌گوید: پدر من از بزرگان عرب بود و افرادی که با یکدیگر دچار اختلاف می‌شدند ســـراغ پدرم می‌آمدند تا بین آنها میانجیگری کند. چند سال قبل پدرم فوت شد و من تصمیم گرفتم راهش را ادامه دهم و در اختلافات مردم واسطه صلح و سازش باشم. از سال‌های دور این کار را آغاز کردم و بیشتر موارد اختلافات به صلح و سازش ختم شده است. او ادامه می‌دهد: برای افرادی پادرمیانی انجام می‌دهم که نادم و پشـــیمان باشند و اصلاح شده باشند. من به هیچ وجه به پرونده افراد جنایتکار، قتل‌های ناموســـی یا تجاوز و... وارد نمی‌شوم. علاوه بر پرونده‌های قتل، افرادی که دچار اختلافات ملکی، خانوادگی، مالی و... هستند هم سراغ من می‌آیند و خدا را شکر می‌کنم که تا به حال موفق بوده‌ام. او در ادامه می‌گوید: تلاش می‌کنم دوطرف را که با یکدیگر اختـــلاف دارند به صلح دعوت کنم. با آنها درباره گذشـــت صحبت می‌کنم. با این شیوه آنها با هم کنار می‌آیند و از عمق وجودشـــان یکدیگر را می‌بخشند. به همین دلیل چنین سازش‌هایی پایدار است. اما در موارد دیگر به‌دلیل اینکه یـــک نفر محکوم می‌شـــود از یکدیگر کینه به دل می‌گیرند و ممکن اســـت بعد از مدتی باز هم با یکدیگر اختلاف و درگیری پیدا کنند. شیخ علی زبید در ادامه می‌گوید: در برخی ایام مثل ماه‌های رمضان و محرم مردم بـــا یکدیگر مهربان‌تر هستند.